

رابطه نامشروع

هدف قانون و قانونگذار از بوجود آوردن مقررات شدیدی برای اعمال منافی عفت و اخلاق حسنه حفظ نظم و برقراری امنیت در واحد اجتماعی مهم خانواده است. این هدف بدون استثنا در تمام شقوق و انواع جرائم مذکور در فصل پنجم باب سوم قانون مجازات عمومی جلوه گر و مشهود است. نه تنها در منع روابط آزاد و بیقاعده زن و مرد بلکه حتی در مورد جرم شناختن لواط و اعمالی دیگر که قانون نام آنها را اعمال منافی عفت غیر از هتك ناموس گذارده نیز منظور قانونگذار جلوگیری از انحراف جنسی و پیش گیری از هرج و مرج این روابط و بالنتیجه برقراری نظام خانوادگی و اجتماعی است. فرد اکمل و نوع انضامی این حمایت ها صراحت ممکن در ماده ۲۱۲ قانون مجازات بیان شده و بنا بر مفاد ماده مزبور هرگاه زنی شوهردار یا مردی زن دار پا از حدود نظام خانواده خارج نهاده با دیگری رابطه نامشروع پیدا کردند هر کدام از زن یا شوهر (با اختلاف موارد) حق دارد قضیه را تمقیب و مجازات مرتکبان اعمالی را که نظم واحد مهم اجتماعی آنان یعنی خانواده را مختل ساخته است بخواهد.

حد و تعریف رابطه نامشروع: آیا منظور از رابطه نامشروع معنی تحت اللفظی آن یعنی ارتباط پیدا کردن هر زن یا مرد با مرد یا زن نامحرم دیگر است یا آنکه نوع خاصی از رابطه زن یا مرد با دیگری نامشروع محسوب می گردد و بهر حال آیا مفهوم رابطه نامشروع زنا است یا اعمال دیگری را که باین درجه هم نرسیده باشند میتوان جرم دانست.

در قانون مجازات عمومی عنوان رابطه نامشروع عنوانی متمایز از هتك ناموس و اعمال منافی عفت است. فصل پنجم قانون مجازات عمومی تحت عنوان «جنحه و جنایات بر ضد عفت و اخلاق عمومی و تکالیف خانوادگی» عناوین مختلفی را برای جرایم مذکور بیان کرده که مختصراً عبارتند از:

الف - هتك ناموس

ب - لواط

ج - عمل منافی عفت غیر از هتك ناموس

د - ازاله بکارت

ه - ربودن زن برای ازدواج

و - ربودن زن برای عمل منافی عفت با وی

ز - وادار کردن جوانان کمتر از ۱۸ سال بفساد اخلاق یا شهوترانی

ح - تسهیل فاحشگی

ط - رابطه نامشروع بازن شوهردار یا مرد زن‌دار

ی - ازدواج با زن شوهردار

بحث در مورد تمام انواع و شقوق فوق از گنجایش این مقاله خارج است در اینجا فقط بمقایسه سه مورد از آنها که در بادی نظر و ظاهر امر بیکدیگر فوق‌العاده شباهت دارند و شبهه - انگیزند پرداخته میشود. سه مورد مذکور عبارتند از :

هتک ناموس - عمل منافی عفت - رابطه نامشروع

در عبارات قانون مجازات عمومی عبارت «هتک ناموس» بجای کلمه «زنا» استعمال شده و باوصاف مختلفی از قبیل با عتف و تهدید (در بند الف ماده ۲۰۷) و بدون عتف و تهدید (در بند ب ماده ۲۰۷) متصف گشته است. علت آنکه قانونگذار در این مورد اصطلاح خاصی ایجاد و تاسیس کرده آن بوده است که نخواستند کلمه «زنا» را که از نظر قوانین شرعی دارای معنی اصطلاحی و طرز اثبات آن بصورت مخصوصی بوده است بکار برد. بنابراین مفهوم عبارت «هتک ناموس» همان «زنا» است با این تفاوت که طرق اثبات شرعی را لازم ندارد. اعمال منافی عفت کلیه اعمالی است که بنحوی از انحاء عفت عمومی را جریحه دار نماید. لازمه این اعمال ارتکاب عمل جنسی یا نوعی از آن نمی باشد در عین حال بعضی از اعمال جنسی غیر از هتک ناموس عمل منافی عفت تلقی میگردند. بنابراین علاوه بر اینکه هر نوع عمل جنسی غیر از هتک ناموس خارج از نظام و مقررات قانونی اعمال منافی عفت است برخی از کارهای برخلاف اخلاق حسنه نیز اگر چه مصداق عمل جنسی نباشند عمل منافی عفت خوانده می شوند. مثلاً اگر زنی تنها با یک شلوار شنا در خیابان بیاید عملش منافی عفت تلقی میگردد و یا اگر مردی در خیابان برگونه یا لبان زنی بوسه شهوت آمیز زند اگر چه آن زن رسماً زن خود او باشد عملش منافی عفت خواهد بود.

از خوانندگان محترم درخواست میشود پیش از آنکه در باره مثالهای بالا بانقد پردازند اندکی تأمل و تفکر نمایند آری اگر زنی با یک شلوار شنا در خیابان بیاید عملش منافی عفت است ولی اگر در کنار دریا و یا حتی روی پیست رقص بآن هیئت و شکل ظاهر شود از نظر قوانین عملش منافی عفت تلقی نمی گردد و بوسه شهوت آمیز زدن برگونه یا لبان زن در خیابان حتی اگر زن رسمی شخص باشد عمل منافی عفت است ولی بوسه معمولی در ایستگاه راه آهن یا فرودگاه یا در ممالکی که متداول است بوسه پدر و دختر یا زن و شوهر هنگام جدا شدن روزانه از یکدیگر عمل منافی عفت نیست. زیرا چنانکه زیلا اشاره خواهد شد از نظر قوانین موجود اقتضای کنار دریا یا پیست رقص (در اماکنی که دولت رسماً تشکیل و تاسیس آنرا اجازه میدهد) برخلاف عفت عمومی نیست ولی جزاین موارد برخلاف عفت است.

شرایع وادیان و همچنین دانشمندان روانشناس بیانات و تحقیقاتی دارند که از توجه بدانها زشتی اخلاقی و زیان و مضرت روانی برهنه ظاهر شدن در انظار عمومی آشکار می گردد.

انجیل مقدس در این خصوص بیان داشته : «شنیده اید که به پیشینیان گفته شده زنا مکنید. لیکن من بشما می گویم هر کس زنی نظر شهوت اندازد هماندم در دل خود بها او زنا کرده است...»

ح - تسهیل فاحشگی

ط - رابطه نامشروع بازن شوهردار یا مرد زن‌دار

ی - ازدواج با زن شوهردار

بحث در مورد تمام انواع و شقوق فوق از گنجایش این مقاله خارج است در اینجا فقط بمقایسه سه مورد از آنها که در پادی نظر و ظاهر امر بیکدیگر فوق‌العاده شباهت دارند و شبهه انگیزند پرداخته میشود. سه مورد مذکور عبارتند از :

هتک ناموس - عمل منافی عفت - رابطه نامشروع

در عبارات قانون مجازات عمومی عبارت «هتک ناموس» بجای کلمه «زنا» استعمال شده و باوصاف مختلفی از قبیل با عتف و تهدید (در بند الف ماده ۲۰۷) و بدون عتف و تهدید (در بند ب ماده ۲۰۷) متصف گشته است. علت آنکه قانونگذار در این مورد اصطلاح خاصی ایجاد و تاسیس کرده آن بوده است که نخواستند کلمه «زنا» را که از نظر قوانین شرعی دارای معنی اصطلاحی و طرز اثبات آن بصورت مخصوصی بوده است بکار برد. بنابراین مفهوم عبارت «هتک ناموس» همان «زنا» است با این تفاوت که طرق اثبات شرعی را لازم ندارد. اعمال منافی عفت کلیه اعمالی است که بنحوی از انحاء عفت عمومی را جریحه دار نماید. لازمه این اعمال ارتکاب عمل جنسی یا نوعی از آن نمی باشد در عین حال بعضی از اعمال جنسی غیر از هتک ناموس عمل منافی عفت تلقی میگردند. بنابراین علاوه بر اینکه هر نوع عمل جنسی غیر از هتک ناموس خارج از نظام و مقررات قانونی اعمال منافی عفت است برخی از کارهای برخلاف اخلاق حسنه نیز اگرچه مصداق عمل جنسی نباشند عمل منافی عفت خوانده می شوند. مثلاً اگر زنی تنها با یک شلوار شنا در خیابان بیاید عملش منافی عفت تلقی میگردد و یا اگر مردی در خیابان بر گونه یا لبان زنی بوسه شهوت آمیز زند اگرچه آن زن رسماً زن خود او باشد عملش منافی عفت خواهد بود.

از خوانندگان محترم درخواست میشود پیش از آنکه در باره مثالهای بالا بانقاد پردازند اندکی تأمل و تفکر نمایند آری اگر زنی با یک شلوار شنا در خیابان بیاید عملش منافی عفت است ولی اگر در کنار دریا و یا حتی روی پیست رقص بان هیئت و شکل ظاهرش در نظر قوانین عملش منافی عفت تلقی نمی گردد و بوسه شهوت آمیز زدن بر گونه یا لبان زن در خیابان حتی اگر زن رسمی شخص باشد عمل منافی عفت است ولی بوسه معمولی در ایستگاه راه آهن یا فرودگاه یا در ممالکی که متداول است بوسه پدر و دختر یا زن و شوهر هنگام جد شدن روزانه از یکدیگر عمل منافی عفت نیست. زیرا چنانکه ذیلاً اشاره خواهد شد از نظر قوانین موجود اقتضای کنار دریا یا پیست رقص (دراما کنی که دولت رسماً تشکیل و تاسیس آنرا اجازه میدهد) برخلاف عفت عمومی نیست ولی جزاین موارد برخلاف عفت است.

شرایع وادیان و همچنین دانشمندان روانشناس بیانات و تحقیقاتی دارند که از توجه بدانها زشتی اخلاقی و زیان و مضرت روانی برهنه ظاهر شدن در انظار عمومی آشکار می گردد.

انجیل مقدس در اینخصوص بیان داشته : «شبتیده اید که به پیشینیان گفته شده زنا مکنید. لیکن من هشما می گویم هر کس بزنی نظر شهوت اندازد هماندم در دل خود با او زنا کرده است...»

قرآن کریم در سوره بیست و چهارم ضمن آیات ۳۰ و ۳۱ بیان داشته:

«بمردانیکه ایمان آورده اند بگوئید از نگاههای ناروا دیده برگیرند و خود را از اعمال منافی عفت حفظ کنند تا پاکیزه تر همانند...» «و بزنانیکه ایمان آورده اند بگوئید از نگاههای ناروا دیده برگیرند و خود را از اعمال منافی عفت حفظ کنند و زیورهای خود را پنهان نمایند مگر آنچه را که پنهان کردنش ممکن نباشد... که راه رستگاری شما همین خواهد بود.»

فریوید پزشک و روانشناس معروف آلمانی فرضیه‌ای دارد که تا امروز از تازگی اولیه آن کاسته نشده و بخش مهمی از گفتارها و مباحث آن مورد قبول اکثر روانشناسان و روانکاوان است. بنا بر فرضیه فریوید هرگاه خواهش‌های نفسانی ارضا نشوند یعنی هرگاه انسان آنچه را که می‌بیند و دلش می‌خواهد آنرا داشته باشد یا از آن بهره‌نحوی بهره‌مند و بهره‌ور گردد نیابد این محرومیت در روان او اثری باقی می‌گذارد که هرگاه تعداد این اثرها زیاد و زیادتر شود بعدی میرسد که ایجاد حالت روانی و بیماری روحی خاصی را که در عبارات روانشناسان کشور ما بنام «سرکوفتگی» یعنی واکنش محرومیت‌های متعدد و پی‌درپی نفسانی خوانده شده است می‌نماید که از نظر روانی وضعی بسیار خطرناک و باقتضای شدت و تضعیفی که دارد نوعی از جنون است.

اینک از توجه باین حقیقت که هر مردی زنی زیبا را در وضعی برهنه یا نیمه‌عریان در کوچه و خیابان به‌بیند حالاتی از خواهش‌های نفسانی در وی ظاهر می‌گردد که چون تحقق آن غالباً برخلاف نظام و قوانین اجتماعی است از رسیدن بدان خواهش محروم خواهد ماند و تکرار این صحنه‌ها برای او ایجاد بیماری روانی می‌سازد مسلم می‌گردد که یکی از دوراه را باید انتخاب کرد، یا آن صحنه‌ها را از میان برد و یا قبول کرد که افراد اجتماع پس از مدتی همه گرفتار بیماری روانی باشند و همه دیوانه وار اعمال و افعال و کردارهایی را انجام دهند که نتیجه آنها برای خودشان و برای جامعه زیان‌بخش باشد و هم از اینرو است که قوانین بدستورهای اخلاقی شرایع وادیان اکتفا نکرده خود قوانین و مقرراتی برای ایجاد و حفظ نظم تدوین نموده‌اند.

علاوه بر هتک ناموس و اعمال منافی عفت و غیر از ایندو، یک مورد دیگر در قانون مجازات عمومی ذکر شده که عنوان آن «رابطه نامشروع» است. قانونگذار در هنگام وضع این قسمت از مقررات نه نظر بوقوع «هتک ناموس» یا «زنا» داشته و نه باعمال منافی عفت بلکه صرفاً ارتباط داشتن با دیگری را با وجود علقه زناشویی جرم دانسته و برای آن باین عبارات ضمن ماده ۲۱۲ قانون مجازات عمومی تعیین کیفر نموده است:

«کسانی که عالماً مرتکب یکی از اعمال ذیل شوند بحسب تأدیبی از ششماه تا سه‌سال محکوم خواهند شد:

- ۱- هر زن شوهردار که با مردی رابطه نامشروع داشته باشد
- ۲- هر مرد زن‌دار که با زنی رابطه نامشروع داشته باشد
- ۳- هر مردی که با زن شوهردار رابطه نامشروع داشته باشد. ..»

اگر قانونگذار در بیان مقررات اینماده منظورش همان هتك ناموس می‌بود یا اگر در این بیان باعمال منافی عفت نظر میداشت بهیچوجه ضرورتی نداشت که اصطلاح نازهای تحت عنوان رابطه نامشروع ایجاد کند و هر عملی که قبلا مفهوم آن در قانون با عبارات دیگری بیان شده نام خاصی بگذارد. از نظر قانونگذاری صحیح نیست که برای يك عمل چند اصطلاح ذکر شود بدون آنکه آن اصطلاحهای گوناگون بیکدیگر مربوط شوند یا تعریف گردند.

بنابراین منظور قانونگذار در بیان این اصطلاح آن بوده که نحوه عمل بخصوصی را ذکر و برای آن مجازات مخصوصی را تعیین نماید، این عمل رابطه نامشروع یعنی ارتباط غیر قانونی و غیر شرعی زن شوهردار با مرد اجنبی یا مرد زن‌دار با زن اجنبی است و لازمه این رابطه وقوع هتك ناموس یا عمل منافی عفت نیست.

بدیهی است که رابطه طبیعی و معمولی و معقول اجتماعی زن شوهردار را با مرد اجنبی نمیتوان جرم دانست. مثلا اگر زن شوهرداری نزد طبیب برای معالجه برود و یا نزد قاضی برای دادخواهی حتی بطرفیت شوهر خود بیاید عمل او از نظر قانون رابطه نامشروع تلقی نمی‌گردد چه این روابط از جمله حقوق مشروع و قانونی زن است. هر کس حق دارد برای برطرف ساختن نیازمندیهای درمانی خود از امکانات موجود آزادانه استفاده نماید و حق طبیعی هر فردی اعم از زن و مرد تظلم و دادخواهی در مراجع صلاحیتدار قضائی است ولی خارج از این حدود رابطه زن شوهردار با مرد اجنبی اگر چه توأم با هتك ناموس و عمل منافی عفت نباشد رابطه نامشروع است. زیرا این رابطه که از حدود حق متعارف خارج شده اساس خانواده را که حفظ آن منظور نظر قانونگذار بوده متزلزل و بنای آنرا هر چند استوار و محکم باشد ویران میکند. زبان عرب در مورد برقراری روابط جنسی عبارتی شیوا و زیبا دارد که مضمون آن اینست: «بر خوردن زن و مرد از تبسم شروع شده باسلام و کلام و میعاد و آخر الامر وصال خاتمه می‌یابد» این سلسله مراتب یا هر مرحله از آنها اگر در مورد زن و مرد بی‌همسر اجرا شود و اگر رضای طرفین بعلت صغر سن یا علل دیگر معلول نباشد با رعایت شرایط قانونی آن رابطه‌ای طبیعی و مشروع است ولی تنها وجود رابطه زناشویی بین یکی از این دو و دیگری ایجاد ممنوعیت از هر گونه ارتباط با دیگری حتی لبخند و تبسم مینماید زیرا چنانکه بیان شد همان تبسم غیر قانونی است که بوصول نامشروع منتهی می‌گردد. قانونگذار در این ماده خواسته است که سیلاب را از سرچشمه ببندد و تبسم‌های اهریمنی شهوت آمیز زن و مرد را کنترل کند و گرنه چاره‌ای پس از وقوع واقعه باقی نخواهد ماند.

هرگاه پرسش شود جائیکه در اجتماع مردان و زنانی بهمسران خود اجازه میدهند در بیست رقص با مردان و زنان غیر برقصند و در حال جهش و جنبش بایکدیگر بیخ گوشی سخن گویند چگونه میتوان تبسم آنان را کنترل کرد و مجازات نمود پاسخ آن اینست که، اولاً هر محیط و مکانی اقتضای خاصی دارد. در کنار دریا زنان و مردان بایک شلوار باریک شنا ظاهر میشوند و این هیئت بعفت عمومی امروزی چریحهای وارد نمیسازد زیرا هر یک از آن زنان و مردان با این تفاهم بدانجا رفته و میروند که دیگران راهم بهمین هیئت و وضع مشاهده کنند شاید جز این هم چاره‌ای نباشد اما اگر یکی از همان زنان با پیراهنی کوتاهتر از معمول در خیابان

ظاهر شود یا دروسائط نقلیه و مجامع عمومی بیاید اجتماع بنظر تنفر و انزجار باو می‌نگرد و کردارش را برخلاف عفت عمومی میدانند .

ثانیاً ملاک تشخیص مشروعیت یا عدم مشروعیت منز سالم و فکر درست است. منزی که تحت تأثیر پیمان‌های متعدد و پیاپی می‌درشد نشینی با اصطلاح باشکوه قدرت، فعالت خود را از دست نداده و شهوت بیحد سلولهای آنرا ناتوان و ضعیف نکرده باشد زیرا با کنار گذاردن عقل خیلی کارها را می‌توان کرد، ترازو را که از در انبار کنار گذارند هر چه بردند بردند، سنجش از میان رفته و حسابی در میان نیست. ثالثاً در مورد روابط نامشروع قانونگذار بلحاظ حفظ حیثیات افراد خود مداخله ننموده و حتی اگر بازن شوهردار یا مرد زن داری رابطه نامشروع بدرجه هتك ناموس هم برقرار شود مادام که این عمل در منظر عمومی بوقوع نیوسته و همسر او نیز شکایتی نکرده باشد آنرا جرم نمی‌داند ولی آیا اجتماع هم که در حقیقت واضح کلمات و تعیین کننده معانی لغات است می‌تواند براین رابطه صحه بگذارد و آنرا خلاف اخلاق و شرع نداند؟

بنابراین اگر کار رابطه زن شوهردار یا مرد زن داری بادیگری به تبسم‌های شهوت آمیز رسید رابطه نامشروع برقرار شده و در صورت شکایت وظیفه قانون و قاضی آغاز می‌گردد ولی چنانکه بعداً اشاره خواهد شد تبسم شهوت آمیز باید بنحو و دفعاتی باشد که عرفاً بدرجه برقراری رابطه نامشروع برسد و گرنه اولین تبسم بدون اصرار و تکرار برقراری رابطه نامشروع نخواهد بود.

عناصر جرم رابطه نامشروع : عناصر جرم رابطه نامشروع عبارتند از ،

الف- شوهردار بودن یا زن‌دار بودن مرتکب

ب- برقراری رابطه نامشروع

ج- قصد سوء و علم بعدم مشروعیت رابطه

که بشرح زیر بیحد درباره آنها پرداخته میشود:

الف- شوهردار بودن یا زن‌دار بودن- وجود یکی از این دو شرط باختلاف موارد

در تحقق یافتن جرم رابطه نامشروع برای مرتکب ضروری است. بنابراین هرگاه زن شوهردار یا مرد زن داری با مرد یا زنی اعم از آنکه مجرد یا همسر دار باشد رابطه نامشروع برقرار کند گناهی ثابت است و بنظر نمی‌رسد که مجازات او در دو حالت فوق متفاوت باشد زیرا نه در قانون و نه عقلاً این کیفیت از کیفیات مشدده مجازات شمرده نشده است. نمیتوان گفت هرگاه در یک قضیه دوشاکی وجود داشته باشد مثل آنکه زن شوهرداری با مرد زن داری رابطه برقرار کند و از طرفی شوهر خودش و از طرف دیگر مرد زن دار از وقوع قضیه شکایت نمایند در این صورت موجبی برای تشدید مجازات پیدا شده است .

ادامه رابطه زناشویی شرط تحقق جرم نیست بلکه لازمه رسیدگی بدان و ادامه تعقیب و مجازات است. برابر قسمت آخر ماده ۲۱۲ قانون مجازات عمومی «... در مورد فقره ۲ این ماده زوجه و در مورد فقره یک و سه زوج تنها سمت مدعی خصوصی داشته و تعقیب جزائی موکول بشکایت او است در صورت استرداد شکایت تا صدور حکم نهائی از طرف مدعی خصوصی تعقیب جزائی موقوف میشود.»